

تصویر و مجسمه‌سازی در فقه شیعی (کتاب)

نویسنده: محمدجواد احمدخانی

• چکیده

تصویر و مجسمه‌سازی در فقه شیعی کتابی فارسی نوشته سید عباس سیدکریمی حسینی که به بررسی فقهی و تحلیلی حکم تصویرسازی و مجسمه‌سازی از منظر فقه شیعه می‌پردازد. نویسنده در این اثر به تحلیل روایات مختلف، آراء فقهای شیعه و اهل سنت، و اجماع‌های فقهی درباره تصویرگری می‌پردازد. او با بررسی دلالت روایات مرتبط با حرمت تصویرسازی و مجسمه‌سازی، اشکالات موجود در آنها را مطرح می‌کند. همچنین اجماع فقها را مورد نقد قرار داده و قائل به تفکیک است. نویسنده براین باور است که مجسمه‌سازی به‌طور مطلق حرام نیست؛ بلکه حکم آن به نیت و هدف بستگی دارد، اگر ساختن مجسمه با هدف تعظیم و تقدیس تصویر باشد، آن را خلاف احتیاط می‌داند؛ اما اگر هدف از ساختن مجسمه تعظیم نباشد این عمل را جایز می‌داند.

معرفی و گزارش ساختار

کتاب **تصویر و مجسمه‌سازی** از نظر فقه شیعه، برگرفته از دروس خارج فقه هنر است که سید عباس سیدکریمی حسینی در مدرسه اسلامی هنر و در یک لجنه علمی با حضور عده‌ای از پژوهشگران ارائه کرده است. این کتاب توسط انتشارات مدرسه اسلامی هنر در سال ۱۳۹۳ ش منتشر شده است.

کتاب در پنج فصل مباحث خود را ارائه می‌دهد. در فصل اول به مباحث مقدماتی مانند تعریف لغوی و اصطلاحی تصویر و همچنین دیدگاه‌های فقهای شیعه و اهل سنت درباره آن اشاره می‌شود. فصل دوم به تحلیل و بررسی سندی و دلالتی یازده روایت کلیدی درباره تصویر و اشکالات موجود در دلالت این روایات می‌پردازد. در فصل سوم، اجماع فقها بر حرمت تصویرسازی نقد می‌شود و نویسنده با تحلیل مبانی این اجماع، محدودیت‌ها و ابهامات آن را مطرح می‌کند. در فصل چهارم با فرض پذیرش حرمت مجسمه‌سازی، نویسنده چند فرع فقهی مهم و مشهور را بررسی و تحلیل می‌کند و در نهایت در فصل پنجم، به بررسی و نقد ادله حرمت اقتنای مجسمه و تصاویر پرداخته می‌شود.

روش‌شناسی

روش نویسنده بر پایه یک رویکرد تحلیلی-انتقادی استوار است. او با بهره‌گیری از اصول فقهی و روایی به بررسی موضوع پرداخته و در چند مرحله به نتایج خود می‌رسد. در واقع روش نویسنده بر پایه یک نگاه اجتهادی و تفصیل‌گرایانه است. او با نقد کلیه استدلال‌های مطروحه، به‌جای پذیرش یا رد مطلق حرمت تصویرسازی و مجسمه‌سازی، قائل به تفصیل می‌شود. در مجموع، روش‌شناسی کتاب مبتنی بر تحلیل منابع، نقد آرای پیشین، و ارائه دیدگاهی معتدل و کاربردی است که هم جنبه‌های اصولی و هم نیازهای زمانه را در نظر می‌گیرد.

بررسی ادله روایی بر حرمت

نویسنده در فصل دوم کتاب، به بررسی یازده روایت می‌پردازد که از آنها برای اثبات حرمت تصویرسازی و مجسمه‌سازی استفاده شده است. از جمله این روایات می‌توان به صحیح محمد بن مسلم،^[۱] حدیث مناهی،^[۲] حدیث محمد بن مروان^[۳] و حدیث اصبع بن نباته^[۴] اشاره کرد. نویسنده پس از تحلیل سندی و دلالتی این روایات به این نتیجه می‌رسد که از لحاظ سند، بیشتر این روایات معتبر و بدون اشکال هستند؛ اما از نظر دلالت، تمامی این روایات دچار اشکال بوده و به طور قطعی بر حرمت تصویرسازی و مجسمه‌سازی دلالت ندارند. به عنوان مثال درباره حدیث مناهی و برخی دیگر از روایات معتقد است نهی موجود در این روایات بر حرمت دلالت ندارد بلکه به واسطه قرائن موجود می‌توان آنها را در شمار مکروهات محسوب کرد. درباره دلالت تعدادی دیگر از روایات مانند روایت ابی بصیر^[۵] می‌گوید که نهی موجود در روایت نه ناظر به ساختن و نگهداری مجسمه، بلکه ناظر به زینت و جلوه‌گری است.

همچنین نویسنده بیان می‌کند که به دلیل وجود اشکالات در این روایات، برخی فقها تلاش کرده‌اند تا با بهره‌گیری از مؤیدات دیگر، کاستی‌های این ادله را جبران کنند. به عنوان نمونه، شیخ انصاری دلیل حرمت را مستند به تشبیه به خالق می‌کند. نویسنده این مؤیدات را سست می‌داند و معتقد است که اشکالات روایات همچنان پابرجاست و این مؤیدات نیز قادر به اثبات حرمت تصویرسازی و مجسمه‌سازی نیستند (ص ۲۵-۸۵).

دلیل اجماع

در فصل سوم کتاب، نویسنده به بررسی دلیل اجماع فقها در مورد حرمت تصویرگری (اعم از مجسمه‌سازی و نقاشی) می‌پردازد. به گفته او اجماع مهم‌ترین دلیل ادعایی بر حرمت تصویرگری است. او با بررسی آرای ۲۳ نفر از فقها، از شیخ مفید تا شیخ انصاری، نشان می‌دهد که اکثر فقهای متقدم تا زمان محقق حلی، تصویرگری را به طور مطلق حرام می‌دانستند؛ ولی از زمان محقق حلی به بعد، تغییراتی در آن مشاهده می‌شود و نظرات متفاوتی در میان فقها شکل می‌گیرد (۸۷-۱۰۰).

نویسنده بر این باور است که اجماع ادعا شده بر حرمت تصویرگری، دارای چهار اشکال اساسی است:

۱. مدرکی یا محتمل المدرک بودن اجماع: به باور نگارنده، این اجماع مبتنی بر

دلایل مشخصی از روایات و نصوص است و در نتیجه، اجماع مدرکی محسوب

می‌شود.

۲. محدود بودن عمر اجماع: این اجماع حدود ۵۰۰ سال سابقه دارد و به فقهای

پیش از این دوره نمی‌رسد.

۳. ابهام در موضوع اجماع: محل اجماع به روشنی مشخص نیست و اختلاف

نظریاتی درباره موضوع اجماع، به ویژه در احکام مرتبط با تصویرسازی پس از

خلق آن، وجود دارد.

۴. تفسیر اجماع به وسیله قرائن: نویسندگان با استناد به احادیثی از سایر ابواب

فقهی و آرای اهل سنت، احتمال می‌دهد که مراد فقهای که بر حرمت

تصویرگری اجماع داشته‌اند، به ویژه حرمت مجسمه‌هایی بوده که مورد

پرستش یا تقدیس قرار می‌گرفتند، نه هر نوع مجسمه‌سازی.

نویسندگان پس از بیان اشکالات مذکور، بر ضرورت بازنگری در اجماع تأکید می‌کند و اینکه استناد به دلیل اجماع بر حرمت تصویرگری از پشتوانه کافی برخوردار نیست (ص ۱۰۱-۱۲۲).

عدم حرمت مطلق تصویر و مجسمه‌سازی

نگارنده کتاب پس از نقد و بررسی استدلال‌های مطرح‌شده، از جمله دلایل روایی و اجماع، به این جمع‌بندی می‌رسد که مجسمه‌سازی به‌طور مطلق حرام نیست، بلکه حکم آن به نیت و هدف بستگی دارد. وی معتقد است اگر ساختن مجسمه با هدف تقدیس باشد و تصویرها هم به شکل کامل و دارای تمام اعضای بدن باشند، این کار خلاف احتیاط است. به باور او این حکم مختص مجسمه هم نیست، بلکه اگر چیزهای دیگری هم به نیت تقدیس خلق شود حرام است؛ اما اگر هدف از ساختن مجسمه تقدیس نباشد و مقاصدی همچون استفاده‌های آموزشی، خدماتی یا کاربردی در نظر گرفته شود، این عمل جایز است. برای نمونه، تولید روبات‌های خدماتی که به انسان کمک می‌کنند، عروسک‌های آموزشی برای یادگیری کودکان، یا نقش و نگارهایی که در فرش‌های زیرانداز استفاده می‌شود، بلااشکال هستند (ص ۱۲۲-۱۲۳).

فروع حرمت

در فصل چهارم کتاب، نویسندگان به بررسی فرع‌های فقهی مهم در خصوص حرمت مجسمه‌سازی پرداخته است. نویسندگان در این فصل براساس رای کسانی که قایل به حرمت هستند، این فروع را بررسی می‌کند.

«فاعل مباشر» و «بالتسبیب»

بعضی از فقها حکم حرمت مجسمه‌سازی و تصویر را مختص به فاعل مباشر می‌دانند. در مقابل عده‌ای از فقها حکم را تعمیم می‌دهند و حرمت را شامل فاعل بالتسبیب هم می‌دانند. مراد از فاعل مباشر کسی است که به‌طور مستقیم مجسمه را می‌سازد، در حالی که تسبیب به معنای این است که شخص به‌طور غیرمستقیم، مانند فراهم کردن ابزار یا دستگاه مجسمه‌سازی، مسئول ساخت مجسمه باشد، اما خود به‌طور مستقیم در

فرآیند ساخت دخالت نداشته باشد. امام خمینی این تفاوت را پذیرفته و در مورد تسبیب حکم به جواز داده است. در مقابل، سید کاظم یزدی به صراحت این تفاوت را نفی کرده و آن را قابل تفکیک نمی‌داند (ص ۱۲۷).

نویسنده پس از نقد و بررسی این دیدگاه‌ها، به طرح پرسش‌هایی می‌پردازد که یکی از اصلی‌ترین پرسش‌های مطرح شده در این زمینه، این است که آیا می‌توان حکم حرمت را از فاعل مباشر به فاعل بالتسبیب تعمیم داد یا خیر؟ نویسنده به کلام سید یزدی اشاره کرده که بر اساس آن، ظهور نخستین هر فعل، انتساب آن به مباشرت است، اما با وجود قرینه‌ها، می‌توان این خصوصیت را لغو کرد (ص ۱۲۱). سید یزدی همچنین میان افعال متعدی و لازم تفاوت قائل است؛ به این معنا که افعال متعدی عمومیت دارند، در حالی که افعال لازم تنها به مباشرت اختصاص دارند (ص ۱۲۲). در نهایت، نویسنده نظر سید یزدی را در این زمینه می‌پذیرد و کلام سید ابوالقاسم خویی که قایل به تعمیم بدون قرینه است را نمی‌پذیرد (ص ۱۳۷).

حکم عکس

نویسنده به بررسی تفاوت یا عدم تفاوت میان عکاسی و نقاشی در فقه پرداخته است. برخی از فقها از جمله سید یزدی، سید محمدرضا گلپایگانی و میرزا جواد تبریزی معتقدند که میان عکس‌برداری و نقاشی تفاوتی وجود ندارد و حکم هر دو یکسان است (ص ۱۳۷). در مقابل، سید ابوالقاسم خویی قائل به تفاوت میان این دو می‌شود و بر این باور است که عکاسی همانند بکار بردن مواد مربوط در دیوار و یا اشیای صیقلی است برای تثبیت سایه اشیا در دیوار یا تثبیت صورتی که در جسم براق می‌افتد (ص ۱۳۹).

نویسنده با بررسی این نظرات، به این نتیجه می‌رسد که از جهت صدق انتساب به فاعل، تفاوتی بین عکاسی و نقاشی وجود ندارد، زیرا هر دو در نهایت به ایجاد یک تصویر از موجودات منتهی می‌شوند. به عبارت دیگر، تفاوت تنها در ابزار و روش تولید تصویر است و این امر تاثیری در حکم فقهی ندارد. بنابراین، نویسنده تفاوت میان عکاسی و نقاشی را در جوهره تصویر ایجاد شده نمی‌داند و تنها به تفاوت در ابزار تولید آن اشاره می‌کند (ص ۱۳۹).

شرط اعجاب

به گفته نویسنده، برخی از فقها اعجاب (شگفت‌انگیز بودن) را شرط در حرمت تصویر می‌دانند. نویسنده با طرح این پرسش که آیا اعجاب شرط لازم برای حرمت تصویرسازی است یا خیر؟ به بررسی نظر فقها در این باره می‌پردازد. به گفته او، شیخ انصاری، اعجاب را به عنوان شرط ضروری برای حرمت تصویرسازی پذیرفته؛ ولی در مقابل، میرزا علی ایروانی بر کلام شیخ اشکال وارد کرده و معتقد است که اعجاب در موضوع ادله اخذ نشده و اینکه همه صور در ابتدا به طور طبیعی شگفت‌انگیز هستند، ولی این شگفتی با گذشت زمان کاهش می‌یابد. بنابراین، اعجاب نباید به عنوان شرط لازم در نظر گرفته شود. نویسنده نقد ایروانی بر کلام شیخ انصاری را می‌پذیرد و معتقد است که اعجاب به طور طبیعی در موضوع لحاظ نمی‌شود و این شرط به دلیل گذرا بودن اعجاب در تصاویر، نمی‌تواند مبنای حکم فقهی باشد (ص ۱۳۹-۱۴۱).

حکم اشتراک در ساخت مجسمه یا تصویر

اشتراک در پدیدآوری تصویر فرع دیگری است که نویسندگان به آن می‌پردازد؛ با این توضیح که اگر چند نفر به صورت اشتراکی یک تصویر را به وجود آورند آیا حکم حرمت شامل همه آنها می‌شود. نویسندگان با اشاره به برخی نظرات از جمله امام خمینی که معتقد است ظهور ادله قادر به اثبات حرمت همکاری چند نفر در تصویرگری نیست، ولی باید احتیاط کرد (ص ۱۶۲)، این نظر را نقد کرده و می‌گویند، تفکیک فاعل مستقل از فاعل مشترک، راهی برای دور زدن حکم فقهی است. او معتقد است که این تفکیک باعث می‌شود تا هر فردی بدون قبول مسئولیت مستقیم، با کمک دیگران، اقدام به انجام کارهایی کند که شرعاً خلاف است (ص ۱۶۳).

تصویر خیالی

آیا تصویر خیالی حیوانات همانند تصاویر موجودات واقعی حرمت دارد. این بحث به ارتباط بین اطلاق ادله (دلایل حرمت) برمی‌گردد. به عبارت دیگر، اگر اطلاق ادله را بپذیریم، حکم حرمت شامل حیوانات خیالی نیز می‌شود، در حالی که اگر اطلاق را نپذیرفته و قایل به انصراف ادله به موجودات واقعی شویم، تصاویر حیوانات خیالی از دایره حرمت تصویرگری خارج خواهند شد (ص ۱۶۴). نویسندگان اشاره می‌کنند که شیخ انصاری به این مسئله نپرداخته است، اما صاحب جواهر و امام خمینی قائلند که موجودات خیالی نیز باید به موجودات واقعی الحاق شوند و حرمت تصویر آنها نیز ثابت است (ص ۱۶۴).

با این حال، نویسندگان بر این باور است که ادله به موجودات واقعی انصراف دارد و نمی‌توان حکم حرمت را به حیوانات خیالی تعمیم داد. دلیل او این است که عبارت «من صور» ظهور در حکایت از ممثل دارد، که این در جایی است که امکان مقایسه میان تصویر و ممثل وجود داشته باشد. در حالی که در مورد حیوانات خیالی، امکان مقایسه منتفی است (ص ۱۶۵).

نویسندگان در مورد تصویر جن و ملک نیز به جواز تصویرسازی آنها قائل است. وی معتقد است همانطور که در مسئله تصویر حیوانات خیالی اشاره کردیم، در این مسئله نیز حکم همان هست. به این معنا که اگرچه جن و ملک موجودات واقعی هستند، اما ویژگی‌های ظاهری و شکل و هیئت آنها برای ما مشخص نیست و ما تنها از طریق تخیل می‌توانیم تصویری از آنها داشته باشیم. بنابراین، ترسیم یا تصویرسازی آنها جایز است (ص ۱۶۷).

بررسی و نقد حرمت اقتنا (نگهداری) تصویر و مجسمه

نویسندگان، درباره اقتنا (نگهداری) تصویر و مجسمه، پس از بررسی هفت روایت مهم از جمله صحیح محمد بن مسلم،^[۶] روایت علی بن جعفر،^[۷] و صحیح زراره،^[۸] به تحلیل حکم نگهداری تماثیل (تصاویر و مجسمه‌ها) پرداخته است. او مانند اصل مسئله تصویرگری، قائل به تفصیل است؛ با این توضیح که تماثیل یا تصاویری که برای اهداف خاصی مانند استخدام یا خدمت‌رسانی به کار می‌روند، نگهداری آنها نیز جایز است؛ اما اگر تماثیل یا تصاویری برای تعظیم یا تجلیل و به عنوان نمادی از احترام و پرستش ساخته شوند، نگهداری آنها حرام است. این تفصیل بر اساس اهداف و نیت از ساخت تصاویر صورت گرفته است و نشان‌دهنده تفاوت میان مقاصد مختلف در استفاده از تصاویر و مجسمه‌ها است (ص ۱۸۹-۲۱۱).

۱. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۶، ح ۳.
۲. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۷، ح ۶.
۳. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۷، ح ۷-۸.
۴. ↑ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۱، ص ۴۵۹.
۵. ↑ مجلسی، مرآة العقول، ج ۲۲، ص ۴۳۷-۴۳۸.
۶. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۷، ص ۲۹۶.
۷. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۰۷.
۸. ↑ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۵، ص ۳۰۷.

منابع

- مجلسی، محمدباقر، مرآة العقول، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۴ق.
- حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ق.
- طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، تهران، دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ق.